عهدنامه ایران و روس

تصوّر میکردند که این کتاب اوّلین مطبوعهء اصفهان بوده.در باب مؤلّف‏ تحفة الأبرار هم میفرمایند شاید حاج سیّد باقر شفتی رشتی باشد که‏ در سنه 1258 در اصفهان درگذشت. از آثار علوّ همّت و وسعت صدر جناب سدید السّلطنه آنکه عین‏ نسخهء چاپی همین کتاب وجیزه را که در کتابخانهء خود داشته‏اند بادارهء کاوه فرستاده و خواهش کرده‏اند بیکی از کتابخانه‏های اروپا داده شود.

راجع بتقویم ایرانی

در باب پیشنهادی که مادر شمارهء 4 همین سال کاوه راجع بتغییر سال‏ و ماه شماری ایرانی نموده بودیم بعضی ملاحضات از خوانندگان کاوه‏ رسیده که با کمال خوشوقتی بدانها اشاره میکنیم:

آقا میرزا جعفر شیرازی مدیر تجارتخانهء«شرکت تجارتی ایرانیان»در شانگهای از بلاد چین در این باب شرحی مرقوم داشته‏اند که خلاصهء آن از اینقرار است:اسامی ماهها همان اسامی ایرانی باشد یعنی از فروردین‏ تا اسفندارمذ و مبدأ تاریخ نیز هجرت حضرت رسول صلعم گرفته شود و حساب هم حساب شمسی.لکن محض رفع اختلاف با ملل متمدّنه در حساب سال و ماه و مراعات جهات جامعهء بین المللی سزاوار چنانست‏ که ابتدای سال را نه از اوّل بهار و ماه فروردین بلکه از همان اوّل ماه‏ ژانویه فرنگی بحساب گریگوری گرفته و ژانویه را بهمن‏ماه و فوریه را اسفندارمذ و مارس را فروردین خوانند و هکذا و عدّهء ایّام ماهها را هم‏ همان مطابق عدّهء ایّام شهور فرنگی قرار دهند نه هر ماهی را سی روز درست‏ با اندرگاه(خمسهء مسترقه)در اخر سال.آقای معظّم له اظهار داشته‏اند که‏ در صورت چاپ همچو تقویمی حاضرند در مخارج طبع آن کمک فرمایند.

از طهران نیز شخصی بامضای عبد الحمید غفاری شرحی در این باب‏ مینویسد و مقصود جناب ایشان آنست که ترتیبی که در کاوه پیشنهاد شده بود عینا قبول شود بجز آنکه اندرگاه بجای آنکه در آخر سال بعد از اسفندارمذ بیفتد در اوّل سال پیش از فروردین بعنوان ایّام جشن نوروزی بیاید و باین‏ ترتیب عدّهء ایّام بهار و تابستان رویهم رفته پنج روز از پائیز و زمستان بیشتر میشود که نزدیک بحساب نجومی هم هست و تقریبا اوائل فصول اربعه باوّل‏ ماهها میافتد و یا آنکه ماههای اوّل سال را تا پنج ماه(و در سال کبیسه‏ یعنی سال چهارم ماه ششم را نیز)31 روز و باقی را 30 روز بگیرند و اندرگاه را نسخ کنند.

ما با وجود آنکه در عقیدهء خود دربارهء ارجحیّت پیشنهاد کاوه بدلایل‏ کثیره باقی هستیم پیشنهاد آقا میرزا جعفر شیرازی را قابل دقّت و شایان‏ توجّه میدانیم.

امید که اولیای امود در ایران باین سنّت حسنه که احیای یکی از مآثر ملّی است توّجهی بفرمایند.

عهدنامهء ایران و روس

در شمارهء گذشته بعضی ملاحضات دربارهء متن فارسی عهدنامهء جدید ایران و روس مورّخهء 17 جمادی الآخرهء امسال اظهار شد. این ملاحضات که بامید اصلاح و تکمیل عهد نامه در صورت تصدیق باظهار آنها جسارت رفت اگر هم سهو و خطائی داشته باشند ممکن است زمینه‏ای‏ برای نقّادی و تدقیق عمیق‏تری از طرف صاحبنظران ایران در نشریّات‏ داخلهء ایران بشود و یک یادآوری است باولیای دولت علیّه که در صورت‏ صحّت این نکات در نظر ایشان در تتمیم و دنبالهء مذاکرات آنها را در نظر بگیرند.اینک دو نکتهء دیگر نیز بخاطر رسیده که آنها را نیز بر نکات‏ مندرجه در شمارهء گذشته علاوه میکنیم:

در فصل پنجم عهدنامه(متن فارسی)با یک عبارت مبهمی حقّ پناه دادن‏ بمتّهمین سیاسی و مخالفین سیاست دولت روس در خاک ایران از دولت‏ ایران سلب شده و دولت ایران بموجب این فصل باید اینگونه اشخاص را اقلاّ از خاک خود بیرون کند.اینکه گفتم«اقلاّ»بدین جهت است که‏ ظاهر عبارت مبهم فارسی(چون در مقام عمل متن فارسی هم حجّت است) مضّتمن اینست که دولت ایران از«وجود...اشخاص منفرده»هم‏ «که مقصودشان ضدّیّت»با دولت روس و یا دول متّحدهء با روس باشد «اعمّ از هر عنوانی که داشته باشند باید در خاک خود جلوگیری»نماید و جلوگیری از وجود اشخاص ممکن است حتّی بسخت‏تر از تبعید و تسلیم‏ نیز تفسیر شود.اساسا سلب حقّ پناه دادن مخالف شئونات مملکت‏ مشروطه است و ممکن است در آینده موجب اشکالات شود خصوصا که بلفظ مبهم«مقصودشان ضدّیّت با....الخ»ذکر شده و معلوم نیست‏ کشف این«مقصود»و مافی الضّمیر تا آثارش ظهور نکرده است بچه راهی ممکن‏ است و اگر اشخاص مزبور عملا شروع بضدّیّت با دولت روس بکنند که‏ در آنصورت لفظ«مقصود»زاید است و ممکن بود گفته شود که دولت‏ ایران باید از اعمال اقدامات خصمانهء اشخاصی از اتباع روس که در خاک‏ ایران بر ضدّ دولت روس مشغول عملیّات مخالف بشوند جلوگیری نماید نه‏ آنکه از«وجود»آنها که«مقصودشان»ضدّیّت باشد«جلوگیری»شود. علاوه‏بر این ظاهر این عبارت باتباع ممالک دیگر(مثلا فرانسه و انگلیس‏ و آمریکا)و حتی بخود ایرانیان نیز شامل است و اگر ظاهر آن حجّت‏ باشد که ممکن است در صورتیکه یک روزنامهء ایران در پایتخت برای دفاع از مصالح مملکت بر ضدّ سیاست دولت حالیّه یا دولت آیندهء روس چیزی بنویسد گفته شود که دولت ایران باید از«وجود»مدیر آن روزنامه جلوگیری‏ نماید».راست است که این حقّ اختصاص بدولت روس داده نشده‏ بلکه بفحوای عبارت«دولتین معظّمین متعاهدتین»بطرفین حقوق متقابله‏ داده شده لکن تجربه نشان داده که دولت ایران از حقّ خود در این موارد در مقابل زورگوئی طرف نمیتواند استفاده کند چنانکه دولت سابق روس‏ در محرّم سنه 1328 با وجود صراحت فصل 14 عهدنامهء ترکمانچای‏ و ردّ مقصّرین طرفین با وجود مطالبهء دولت ایران از تسلیم دزد معروف‏ رحیم خان چلبیانلو امتناع نمود و چنانکه دولت حالیّهء روس در خاک خود از هیچ نوع کنگاشها و نشریّات و تدارکات خصمانهء عملی بر ضدّ اساس‏ شکل ادارهء ایران یا وحدت ملّی و یا مصونیّت خاکی آن جلوگیری نمی‏نماید و یا آنکه بعنوان بی‏حقیقت«استقلال»ظاهری گرجستان و قفقازیّه‏ اینگونه حرکات را بپول مسکو در تفلیس و باکو تشکیل و ترتیب میدهد.

نکتهء دیگری که اشاره بدان بیفایده نیست آنست که عبارت فصل نهمّ‏ عهدنامه راجع بلزوم ردّ کردن دولت ایران یکی از عمارات بانک سابق‏ روس را در شهرهای مختلف ایران بدولت روس در صورتیکه«دولت‏ روسیّه بخواهد در یکی از آن شهرها ایجاد قونسولگری نماید»باز مبهم‏ و بلکه در واقع منافی با فصل 23 عهدنامه است چه از مفهوم ظاهر این‏ عبارت میشود چنین نتیجه گرفت که دولت روس در هر شهری که بخواهد میتواند ایجاد قونسولگری نماید و اگرچه در فصل 23 این کار را مخصوص‏ بنقاط مرضی الطرفین نموده‏اند باوجوداین عبارت این فصل چون دلالت‏ التزامی بر نقیض دارد بهتر بود واضحتر از آنچه هست باشد و قید رضای ایران صریحا تکرار شود.